

آموزش تحلیل سیاسی / اربعین یعنی میعاد شیعیان در کنگره جهانی

اربعین یعنی میعاد شیعیان در یک کنگره‌ی بین‌المللی، جهانی، در یک سرزمینی که خود آن سرزمین خاطره‌انگیز است؛ سرزمین خاطره‌ها است. اینجا جمع بشوند پیروان تشیع، و دست برادری و پیمان وفاداری هرچه بیشتر ببندند. این اربعین است. غیر از توأین باز هم سراغ داریم کسانی که آمدند آنجا و از آنجا مایه گرفتند... و البته شنیده‌اید که جابر بن عبدالله انصاری هم آمد. به نظر من این بزرگوار سوّمین کسی است که به زیارت قبر حسین بن علی (ع) آمده است؛ شاید اولین کسانی که زیارت کردند این تربت پاک را همان بنی‌اسد بودند که آمدند نعلش مقدّس حسین بن علی (ع) را دفن کردند... یادآوری خاطره‌ی عاشورا و خاطره‌ی آن جهاد و از خودگذشتگی و فداکاری عظیم، در روز اربعین انجام می‌گرفته؛ و در آن سرزمین. اگر امروز هم بتوانند شیعیان، آن سرزمین پاک و مقدّس را یک چنین میعاد‌ی قرار بدهند،...



معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۹۶ / شنبه ۵ آبان ۱۳۹۷

نظام بین‌المللی و منطق انسانی وارونه

جوان: خاشقجی به راحتی کشته می‌شود و جسد او را تکه‌تکه می‌کنند و به فجیع‌ترین شکل آن را سربسته نیست کرده و تلاش می‌کنند بر آن سرپوش بگذارند و همه این‌ها با اشراف اطلاعاتی و شاید هماهنگی با غرب انجام می‌شود. امریکا و رئیس‌جمهور آن با زشت‌ترین شکل ممکن بر این جنایت سرپوش می‌گذارد و در توجیه رویکرد خود، منافع فروش تسلیحات یا ائتلاف‌سازی ضدایرانی را مطرح می‌کند که به روشنی یک جنایت را با جنایتی دیگر می‌پوشانند و ماکیاولی‌ترین سیاست خود را در بدترین حالت ممکن به نمایش می‌گذارند. بقیه کشورهای غربی از اینکه باید برای تنبیه عربستان قراردادهای فروش تسلیحات را متوقف کنند، به، اما و اگر افتاده‌اند. این سلاح‌ها قرار است مردم یمن را نابود کند و جنایتی هزار برابر آنچه در کنسولگری سعودی در ترکیه اتفاق افتاد را هر روز تکرار کنند و این صحنه ضربشری، در چهار سال گذشته استمرار داشته است. معرکه گردان تمامی سیاست‌های تحریمی که بدون تردید، مردم ایران را هدف قرار داده و یک جنایت ضدبشری است، توسط صهیونیست‌ها و رژیم صهیونیستی دنبال می‌شود. مردم بحرین از حداقل حقوق انسانی و اجتماعی بی‌بهره‌اند و سلب تابعیت می‌شوند. ترکیه که امروز علمدار روشنگری در قتل خاشقجی است، صدها و هزاران خبرنگار و دیگر اصناف را به زندان و تحمل تمامی شرایط آن روانه کرده است. همه این‌ها در جلوی چشم وجدان جهانی است، ولی سرنوشت آن‌ها هم مثل خاشقجی خواهد بود. دلیل آن در منطق وارونه و ضدانسانی نظام بین‌الملل است که منافع غارتگرانه و آغشته به خون را به حقوق واقعی انسانی ترجیح می‌دهند، ولی خود را در پشت شعارهای انسان‌دوستانه و دموکراسی و ده‌ها عنوان دیگر پنهان کرده‌اند. آنچه که غرب و قدرت‌های حاکم را در نظام بین‌الملل از اینگونه منافع محروم می‌کند و امکان تجاوز، غارتگری و جنایت و جنگ‌افروزی را از آن‌ها سلب می‌کند و یا به میزان زیادی کاهش خواهد داد، قدرتمند شدن ملل و کشورهای مستقل جهان است و دقیقاً همین منطق بر سیاست‌های استعماری امریکا و زائده صهیونیستی آن‌ها نیز برای تحریم علیه ایران و یا سلب اهرم‌های قدرت‌های ایران حاکم است که در اشکال برجام و FATF و CFT و برجام‌های موشکی و نمونه‌های دیگر آن دنبال می‌شود.

رادیکالیسم در آمریکا خون می طلبد

خراسان: درسلسله وقایع کم سابقه در ایالات متحده، بسته های انفجاری برای دو رئیس جمهور سابق، رئیس سابق سازمان سیا، رئیس سابق کمیته حزب دموکرات، چند تن از اعضای کنگره آمریکا، جورج سوروس و دفتر مرکزی سی ان ان ارسال شد. وجه اشتراک این افراد، عضویت آنان در حزب دموکرات یا حمایت آشکار آنان از این حزب بوده است. دونالد ترامپ: حزب دموکرات امروز بیشتر از آن که از مردم آمریکا محافظت کند از بیگانگان جنایتکار محافظت می کند. به همین علت است که دموکرات ها باید از مناصب قدرت دور بمانند! به جمهوری خواهان رای دهید.*دونالد ترامپ: هر زمان می بینید که کاروان (مهاجران)، یا مردم به شکل غیرقانونی به کشور ما می آیند یا تلاش می کنند که غیرقانونی به کشور ما بیایند، باید دموکرات ها را سرزنش کنید که آرای لازم (در کنگره) را برای تغییر قوانین مهاجرتی تأسف بار کشورمان ندادند. دونالد ترامپ: دموکرات ها بیش از حد افراطی و خطرناک هستند و هر کسی که به یک دموکرات رای دهد، واقعا باید دیوانه باشد. دونالد ترامپ: من شاهدیم که حزب دموکرات رهبری حمله (هجوم مهاجران) گواتمالا، هندوراس و السالوادور را به کشورمان برعهده داشته است که رهبرانشان کار چندانی برای متوقف کردن سیل مردم به سمت آمریکا از جمله بسیاری از جنایتکاران از طریق مرز مکزیکی نکرده اند. در چنین شرایطی، احساس تکلیف فرد یا افرادی در آمریکا که دموکرات ها را عامل بدبختی، فقر، جنایت و اضمحلال کشور می دانند، برای تلاش به منظور ترور سران حزب دموکرات چندان تعجب برانگیز نخواهد بود. آتش خشم و کینه ای که دونالد ترامپ دوسال پیش با کمک افراطی ترین جریان های سیاسی - فرهنگی در ایالات متحده روشن کرد، اکنون قربانی می طلبد. سران حزب دموکرات شاید هم اکنون از خطر مرگ رهایی یافته اند، با این حال، چه بسا در آینده و با عمیق تر شدن شکاف های اجتماعی و حرکت این کشور به سمت رادیکالیسم، خون هایی به زمین ریخته شود.

مسأله رأی اعتماد برای اصلاح طلبان

صبح نو: رأی اعتماد به چهار وزیر پیشنهادی از سوی رییس جمهوری به چالشی برای فراکسیون امید تبدیل شده است. به خصوص در مورد آقایان رحمانی و شریعتمداری. به نظر می رسد آن ها چندان مایل نباشند که رضا رحمانی به عنوان فردی نزدیک به جناح راست، وزیر صنعت شود. رأی منفی به رحمانی آنان را مقابل دولت قرار می دهد در حالی که رأی مثبت به او هم عملاً قدرت آن ها در صمت را کمرنگ می کند. با این حال به نظر می رسد میل غالب اصلاح طلبان بر رأی نیاوردن رحمانی به عنوان وزیر صمت است. در مورد شریعتمداری وضعیت پیچیده تر است. درون اصلاح طلبان اختلاف نظر جدی در این باره وجود دارد. برخی او را یک اصلاح طلب می دانند که می تواند جانشین خوبی برای ربیعی باشد. در مقابل برخی دیگر عملکرد شریعتمداری در صمت را ناموفق می دانند. در این شرایط رأی اعتماد به او با انتقاد افکار عمومی مواجه می شود. این در حالی است که رأی منفی به او چندان شاید دولت را ناراحت نکند. به نظر می رسد روزهای ابتدایی هفته آزمون مهمی برای سیاست ورزی اصلاح طلبان است.

جای خالی نیچه در پیاده‌روی اربعین!

کیهان: «خدا مرده است!» این عبارت مشهور نیچه فیلسوف شهیر آلمانی است. منظور او از این عبارت که از زبان یک دیوانه در کتاب «دانش طربناک» بیان می‌کند، اشاره به زوال ایمان، اعتقاد و امور قدسی در عصر معاصر است. زوالی که عامل و مسبب آن انسان است. ۴۰ سال پیش میشل فوکو در توصیف انقلاب اسلامی از عبارت قابل تامل «بازگشت روح به جهان بی‌روح» استفاده کرد. مراسم معنوی و باشکوه زیارت اربعین، شمه دیگری از این بازگشت است. نکته جالب توجه آنکه ملت عراق و ایران، شاکله و بنیانگذار اصلی این حرکت عظیم هستند. دو کشوری که سه دهه پیش ۸ سال با یکدیگر جنگیدند و در این جنگ تحمیلی که نه خواست جمهوری اسلامی ایران و مردمش بود و نه ملت عراق، بلکه مولود جنون و خیال خام صدام بود، صدها هزار تن جان خود را از دست دادند. اگر آن روزها کسی می‌گفت سه دهه بعد عراقی‌ها میزبان میلیون‌ها ایرانی می‌شوند و چنین از آنها پذیرایی کرده و مورد تکریم قرار می‌دهند، به احتمال زیاد، برچسب توهم می‌خورد! گذشته از آن سابقه خونبار، در چند سال اخیر هم برای بهم زدن این پیوند قلبی و معنوی، کم توطئه نشده است، اما همان کسی که این چنین دل‌ها را به سوی خود جذب می‌کند، خنثی‌کننده این توطئه‌ها هم هست. معادله‌ای که خلاصه و نتیجه آن در این شعار کوتاه و زیبا نهفته است؛ حب‌الحسین یجمعنا. اربعین اینک از مراسمی شیعی و منحصر به ملت عراق و ایران در حال عبور است. هر ساله بر تعداد زائرانی که از گوشه گوشه جهان خود را به این بزرگ‌ترین میعادگاه جهانی می‌رسانند، افزوده می‌شود. غیرشیعیان و حتی غیرمسلمانان نیز از این چشمه زلال معنویت و عطوفت، در جهان تجارت‌محور امروزی سیراب می‌شوند. در جهان منفعت‌محوری که هر کسی به دنبال افزودن به صفرهای حساب بانکی خود است، عاشقان و دلدادگان امام حسین(ع) این معادله به‌ظاهر بدیهی و غیرقابل خدشه را نقض کرده‌اند و در نثار مال خود در این راه از یکدیگر سبقت می‌جویند. بسیاری از آنان افراد متمکن و ثروتمند هم نیستند. چقدر جای جامعه‌شناسان، روانشناسان و محققانی از این دست خالی است تا به ابعاد عجیب و غریب این عظیم‌ترین اجتماع بشری پردازند و آن را تحلیل و تبیین کنند. انسان معاصر کارهای عجیب و خارق‌العاده کم نکرده است و در این راه چنان پیش رفته است که برخی از معجزات پیشین به اموری عادی و روزمره تبدیل شده‌اند. معجزه باید نسبتی خارق‌العاده با زمان و جهان خود داشته باشد. در عصری که برخی از عالمان، متفکران و اندیشمندان هر یک به نحوی پایان معنویت را اعلام کرده و انسان معاصر نیز به تبعیت از آن دچار سردرگمی و پوچی بی‌پایان شده است، مراسم زیارت اربعین با این مختصات و ابعاد معجزه‌ای آشکار است. نیچه ۱۱۸ سال پیش فوت کرد و این فرصت را نیافت که معجزه عصر جدید را ببیند. آیا دیگر بزرگان عرصه علم و اندیشه جهان از مرحله انکار و سانسور عبور کرده و چشم خود را به روی این رویداد خارق‌العاده خواهند گشود؟ وقتی نوح(ع) و یارانش در بیابان کشتی می‌ساختند، واکنشی جز طعنه و تمسخر دریافت نکردند. اما بالاخره طوفان از راه رسید و شد آنچه باید می‌شد. جهان سال‌هاست غرق در طوفان غفلت و پوچی است و کشتی حسین(ع) و مسافرانش تنها نجات‌یافتگان این طوفان سهمگین هستند.

وطن امروز: پرونده‌هایی که درباره حذف نفر یا نفرات در عربستان مفتوح شده به ۲ دسته داخلی و خارجی تفکیک می‌شود اما محوریت تمام آنها عنصر داخلی است که از نگاه ساختار قدرت عربستان با حاکمیت این کشور مخالف هستند اما برخی از آنها در خاک عربستان حاضر هستند و بخشی دیگر در خارج که همین موضوع مانند پرونده خاشقچی باعث می‌شود سعودی‌ها به چالش کشیده شوند. یکی دیگر از کسانی که به سرنوشت خاشقچی دچار شد، «عبدالکریم احمد القحطانی» نظامی سعودی بود که در دهه ۶۰ میلادی به ارتش عربستان پیوست و بعدها به عنوان یکی از مخالفان آل سعود لب به سخن گشود. سخنان وی در انتقاد از آل سعود در شرایطی اوج گرفت که در نهایت در سال ۲۰۰۲ در یمن مسموم و کشته شد. «ترکی عبدالعزیز» شاهزاده سعودی که سال ۲۰۰۳ از ژنو با سناریوی استخبارات عربستان ربوده و به ریاض منتقل شد یکی دیگر از مغضوبان سعودی است. وی از مخالفان توزیع قدرت اقتصادی و سیاسی در این کشور به حساب می‌آمد اما هیچ خبری از ادامه حیات وی در دست نیست. نمونه دیگری که ابعاد جهانی به خود گرفت «سعد الحریری» نخست‌وزیر فعلی لبنان بود که دارای شهروندی عربستان بوده و یکی از سهامداران شرکت «سعودی الواجه» است که در عربستان زندانی شد و در نهایت با وساطت آمریکا و فرانسه به لبنان بازگشت. «متعب بن عبدالله» رئیس سابق گارد ملی عربستان که سال ۲۰۱۷ در خلال بازداشت‌های جمعی از سمت خود برکنار شد هم نمونه دیگری از تسویه حساب‌های درون تشکیلاتی ریاض به حساب می‌آید. با نگاهی به این اسامی که تنها گوشه‌ای از پرونده‌های بازداشت و حذف‌های فیزیکی (قتل سازمان‌یافته) در داخل و خارج عربستان را به تصویر می‌کشد، می‌توان به این مفهوم رسید که پرونده خاشقچی نخستین و آخرین مورد از سرکوب خارجی با درون‌مایه داخلی نبوده و نخواهد بود. اما آنچه از بطن این قبیل موارد استنباط می‌شود این است که خروجی منفی این پرونده‌ها، اصلاحات ۲۰۳۰ یا «پروژه نئوم» را که یک پرونده اقتصادی-سیاسی در ابعاد جهانی به حساب می‌آید، ناکام خواهد گذاشت، چرا که اولاً آل شیخ این اصلاحات را در جهت غربی‌شدن جامعه سستی و محافظه‌کار عربستان می‌داند و ثانیاً پرونده‌های خارجی مانند یمن، لبنان، عراق، سوریه، ایران و... باعث شده سیاست خارجی معلق سعودی‌ها با درون‌مایه شکست راهبردی معنا پیدا کند.

